***\*\*تفاوت اقتصـاد مقاومتـی و اقتصـاد ریاضتـی\*\****

در چند سال اخیر و با توجه به شرایط اقتصادی کشور و وجود تحریمهای گوناگون در بخشهای اقتصادی کشورمان، نام مدل جدیدی از اقتصاد در ایران ابداع شد به نام «اقـتـصـاد مـقـاومـتــی».

این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال 1389 مطرح گردید. در همین دیدار، رهبر معظم انقلاب «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برایی جهش» را معرفی نمودند.

همچنین در سالهای اخیر اقتصاد دنیا با مدل دیگری از اقتصاد هم آشنا شد. و آن نام «اقتصاد ریاضتی» نام داشت. ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد. این واژه در سال 2010 و با شکل گیری بحران اقتصادی در یونان پا به عرصه مدلهای اقتصادی گذاشت.

حال سوالی که اینجا مطرح است و شاید اشتباهی که معمولا صورت میگیرید، عدم تفکیک بین این دو مدل اقتصادی است. این اشتباه در بین مردم عادی به وفور دیده می شود و جالب است که این عدم تفکیک در بین نخبگان اقتصادی هم گاه دیده می شود.

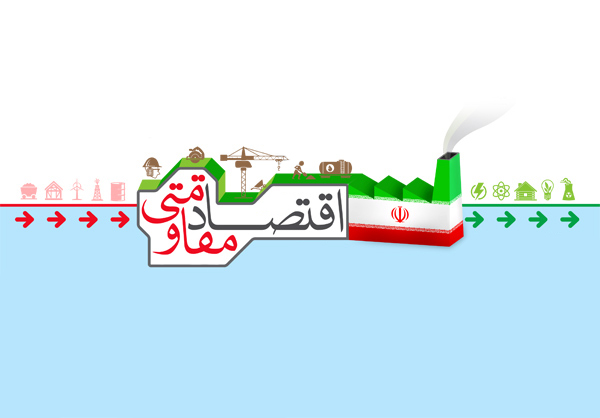
برای روشن شدن قضیه و درک معنا و مفهوم اصلی این دو مدل اقتصادی، ابتدا لازم است به تعریف هر کدام از این دو مدل بپردازیم و سپس تفاوتهای آن را بیان کنیم.



با توجه به مجموعه سخنان و نوشته های مقام معظم رهبری طی چند سال گذشته، اقتصاد مقاومتی را می توان به این صورت تعریف کرد: اقتصاد مقاومتی یعنی شرایطی که در آن کشور به درجه­ای از توانمندی علمی، نهادی، سازمانی، تخصصی و اعتماد به نفس رسیده باشد که قادر باشد (تأکید می کنم قادر باشد) با توجه به منابع انسانی و طبیعی خود همه کالاهای قابل تولید را تولید کند.  
 به عبارت دیگر، اقتصاد مقاومتی وقتی حاصل خواهد شد که کشور قادر به، به فعل درآوردن همه امکانات انسانی و طبیعی بالقوه­ی خود باشد. در اقتصاد مقاومتی دامنه انتخاب جامعه افزایش یابد. یعنی ساختارهای فکری-فلسفی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه به گونه­ای است که نیروهای انسانی موجود (با اتکاء به قدرت اندیشه و تحقیق و تدبیر) قادر باشند با بهره گیری از منابع و ثروت­های مادی و طبیعی داخلی و خارجی، همه نیازهای جامعه را تولید کنند"؛ با این توضیح که هدف از این تعریف، نیل به توانمندی تولید همه نیازهاست و نه الزاماً تولید همه نیازها (آنگونه که در دوره های پیشین با عنوان خودکفایی به غلط ترویج می شد.)  
  به عبارت دیگر، در این تعریف، جامعه قادر خواهد بود هر آنچه نیازهای ضروری و غیر ضروری افراد جامعه است را تولید کند. وقتی جامعه به چنین توانی دست یافت دامنه و قدرت انتخاب و آزادی­اش افزایش خواهد یافت: یعنی جامعه خود تصمیم می­گیرد که چه کالاهایی را تولید کند و کدام را (به دلیل نداشتن مزیت نسبی در تولید) از خارج وارد کند. در واقع این همان شرایطی است که طی چند سال گذشته توسط مقام رهبری تبیین شده است، چون تنها در این شرایط است که کشورهای قدرتمند قادر به تحمیل خواست­های خود به دلیل ناتوانی کشور در تولید کالاهای به خصوص حیاتی، نخواهند بود. به عبارت دیگر، تنها زمانی که جامعه قادر به تولید تمام نیازهای خود باشد در روابط بین­الملل از قدرت چانه­زنی بالاتری برخوردار بوده و در نتیجه قادر خواهد بود سهم بیشتری از تعاملات سیاسی و اقتصادی بین­المللی را به دست آورد ضمن اینکه در مقابل زیاده­خواهی­های احتمالی برخی جوامع قدرتمند مقاوم خواهد بود.

حال ممکن است سوالاتی در ذهن مخاطب ایجاد شود که پرسش و پاسخ زیر می تواند اکثر این سوالات را مرتفع کند. این جوابها پس از ابلاغ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی در سال 1392 توسط رهبر معظم انقلاب در سایت رسمی ایشان منتشر شد.

**1. اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟ خصوصیّات مثبت آن و خصوصیّات منفی و سلبیِ آن چیست؟**  
یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است ــ این آن جنبه‌ی مثبت ــ امّا منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجّه به این تکانه‌های اجتماعی و زیروروشدن‌های اقتصادی‌ای که در این بیست سی سال گذشته اتّفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب اوّل اینکه این حرکتی که ما داریم انجام میدهیم، دغدغه‌ی دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست.  
  
**۲. اقتصاد مقاومتی درون‌زا  به چه معناست؟**  
این اقتصاد درون‌زا است. درون‌زا است یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیّتهای خود کشور ما و خود مردم ما میجوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متّکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معنا است.  
  
**۳. آیا درون‌زایی اقتصاد مقاومتی همان درون‌گرایی اقتصاد است؟**  
درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور میکنیم و محدود میکنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زا است، امّا برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه میشود. بنابراین درون‌زا است، امّا درون‌گرا نیست. اینها را که عرض میکنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها الان قلمها و زبانها و مغزهای مغرض، مشغول کارند که [القا کنند] «بله، اینها میخواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند». انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملّت را و مسئولان را از این راه ـ که راه سعادت است ـ جدا بکنند دارند میکنند. من عرض میکنم تا برای افکار عمومی‌مان روشن باشد.  
  
**۴. آیا اقتصاد مقاومتی، اقتصادی دولتی است؟**  
این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح میشود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقّق پیدا میکند. امّا «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیّتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیّت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیّت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعّالیّت اقتصادی دستِ مردم است، مال مردم است؛ امّا دولت ـ به‌عنوان یک مسئول عمومی ـ نظارت میکند، هدایت میکند، کمک میکند. آن جایی که کسانی بخواهند سوء‌استفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را میگیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک میکند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه‌ی دولت است؛ تسهیل میکند.  
چهارم، گفتیم این اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفتهای علمی استفاده میکند، به پیشرفتهای علمی تکیه میکند، اقتصاد را بر محور علم قرار میدهد؛ امّا معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان میتوانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ نخیر، تجربه‌ها و مهارتها ـ تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارتهای کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند ـ میتواند اثر بگذارد و میتواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته میشود دانش‌محور، معنای آن این نیست که عناصر با تجربه‌ی صنعتگر یا کشاورز که در طول سالهای متمادی کارهای بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ نخیر، نقش بسیار مهمّی هم به عهده‌ی اینها است.  
  
**۵. عدالت در اقتصاد مقاومتی چگونه تعریف می‌شود؟**  
این اقتصاد، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری ـ [مثل] رشد ملّی، تولید ناخالص ملّی ــ اکتفا نمیکند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملّی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملّی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخصهای جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده میکنید. در حالی که تولید ناخالص ملّی یک کشوری خیلی هم بالا میرود، امّا کسانی هم در آن کشور از گرسنگی میمیرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت ـ عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه ـ یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است، امّا معنای آن این نیست که به شاخصهای علمی موجود دنیا هم بی اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخصها هم توجّه میشود، امّا بر محور «عدالت» هم کار میشود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملّی را افزایش دادن  است.  
  
**۶. با توجه به برنامه‌های اقتصاد مقاومتی، مشکلات کنونی اقتصاد کشور حل خواهد شد؟**  
در اینکه گفتیم اقتصاد مقاومتی بهترین راه حلّ مشکلات اقتصادی کشور است شکّی نیست، امّا معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است ـ که یک مقداری از آن مربوط به تحریم است، یک مقداری از آن مثلاً مربوط به غلط بودن فلان برنامه است ـ نه، این مال همیشه است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک میکند. این سؤال اوّل.  
  
  
**۷. آیا اقتصاد مقاومتی که شعار آن را میدهیم، تحقّق‌پذیر است، ممکن است، یا نه، خیالات خام است؟**  
پاسخ این است که نخیر، کاملاً، عملاً، حتماً ممکن است؛ چرا؟ به‌خاطر ظرفیّتها؛ چون این کشور، دارای ظرفیّتهای فوق‌العاده است. من حالا چند قلم از ظرفیّتهای کشور را عرض میکنم. اینها چیزهایی است که آمارهای عجیب‌و‌غریب لازم ندارد، جلوی چشم همه است، همه می‌بینند.  
  
**۸. ظرفیت های کشور ما در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی چه می باشد؟**  
یکی از ظرفیّتهای مهمّ ما، ظرفیّت نیروی انسانی ما است. نیروی انسانی در کشور ما، یکی از بزرگ‌ترین ظرفیّت‌های کشور ما است؛ این یک فرصت بزرگ است. عرض کردیم، جمعیّت جوان کشور ــ از پانزده سال تا سی سال ــ یک حجم عظیم از ملّت ما را تشکیل میدهند؛ این خودش یک ظرفیّت است. تعداد ده میلیون دانش‌آموخته‌ی دانشگاه‌ها را داریم؛ ده میلیون از جوانهای ما در طول این سالها از دانشگاهها فارغ‌التّحصیل شدند. همین حالا بیش از چهار میلیون دانشجو داریم که اینها در طول چند سال آینده فارغ‌التّحصیل میشوند؛ جوانان عزیز بدانند، این چهار میلیونی که میگویم، ۲۵ برابر تعداد دانشجو در پایان رژیم طاغوت است؛ جمعیّت کشور نسبت به آن موقع شده دو برابر، امّا تعداد دانشجو نسبت به آن موقع شده ۲۵ برابر؛ امروز ما این تعداد دانشجو و فارغ‌التّحصیل داریم. علاوه‌ی بر اینها، میلیونها نیروی مجرّب و ماهر داریم. ببینید، همینهایی که در دوران جنگ به داد نیروهای مسلّح ما رسیدند. در دوران جنگ تحمیلی، یکی از مشکلات ما، از کار افتادن دستگاه‌های ما، بمباران شدن مراکز گوناگون ما، تهیدست ماندن نیروهای ما از وسایل لازم ـ مثل وسایل حمل و نقل و این چیزها ـ بود. یک عدّه افراد صنعتگر، ماهر، مجرّب، راه افتادند از تهران و شهرستانها ـ که بنده در اوایل جنگ خودم شاهد بودم، اینها را میدیدم؛ اخیراً هم بحمدالله توفیق پیدا کردیم، یک جماعتی از اینها آمدند؛ آن روز جوان بودند، حالا سنّی از آنها گذشته، امّا همان انگیزه و همان شور در آنها هست ـ رفتند داخل میدانهای جنگ، در صفوف مقدّم، بعضی‌هایشان هم شهید شدند؛ تعمیرات کردند، ساخت‌وساز کردند، ساخت‌وسازهای صنعتی؛ این پلهای عجیب‌وغریبی که در جنگ به درد نیروهای مسلّح ما خورد، امکانات فراوان، خودرو، جادّه، امثال اینها، به‌وسیله‌ی همین نیروهای مجرّب و ماهر به‌وجود آمد؛ امروز هم هستند، امروز هم در کشور ما الی‌ماشاءالله؛ تحصیل‌کرده نیستند، امّا تجربه‌ و مهارتی دارند که گاهی از تحصیل‌کرده‌ها هم بسیار بیشتر و بهتر و مفیدتر است؛ این هم یکی از امکانات نیروهای ما است؛ هم در کشاورزی این را داریم، هم در صنعت داریم.  
یکی از ظرفیّتهای مهمّ کشور ما منابع طبیعی است. من سال گذشته در همین‌جا راجع به نفت و گاز گفتم که مجموع نفت و گاز ما در دنیا درجه‌ی یک است؛ یعنی هیچ کشوری در دنیا به‌قدر ایران، بر روی هم نفت و گاز ندارد. مجموع نفت و گاز ما از همه‌ی کشورهای دنیا ــ شرق و غرب عالم ــ بیشتر است. امسال که من دارم با شما حرف میزنم، کشفیّاتی درمورد گاز شده است که نشان میدهد که از آن مقداری که سال گذشته در آمارهای ما بود، از آن مقدار هم منابع گازی ما و ذخیره‌های گازی ما افزایش پیدا کرده است؛ این وضع نفت و گاز ما است. بیشترین ذخیره‌ی منابع انرژی ــ که همه‌ی دنیا روشنی خود، گرمای خود، صنعت خود، رونق خود را از انرژی دارد، از نفت و گاز دارد ــ در کشور ما است. علاوه‌ی بر این، معادن طلا و معادن فلزّات کمیاب در سرتاسر این کشور پراکنده است و وجود دارد. سنگ آهن، سنگهای قیمتی، انواع و اقسام فلزهای لازم و اساسی ــ که مادر صنایع محسوب میشوند ــ در کشور وجود دارد؛ این هم یک ظرفیّت بزرگی است.  
ظرفیّت دیگر موقعیّت جغرافیایی ما است؛ ما با پانزده کشور همسایه هستیم که اینها رفت‌وآمد دارند. حمل و نقل ترانزیت یکی از فرصتهای بزرگ کشورها است؛ این برای کشور ما هست و در جنوب به دریای آزاد و در شمال به آبهای محدود منتهی میشود. در این همسایه‌های ما، در حدود ۳۷۰ میلیون جمعیّت زندگی میکنند که این مقدار ارتباطات و همسایه‌ها، برای رونق اقتصادی یک کشور یک فرصت بسیار بزرگی است. این علاوه بر بازار داخلی خود ما است؛ یک بازار ۷۵ میلیونی که برای هر اقتصادی، یک چنین بازاری بازار مهمّی است.  
  
یک ظرفیّت دیگری که در کشور وجود دارد، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است؛ نرم‌افزاری مثل این سیاستهای اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و این کارهایی که در این چند سال انجام گرفته و همچنین زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سدّ و پل و کارخانه و امثال اینها؛ اینها زمینه‌های بسیار خوبی برای پیشرفت اقتصاد کشور است، اینها ظرفیّتهای یک کشور است.  
  
**۹. آیا با وجود تحریم‌های اقتصادی می‌توان از ظرفیت‌های کشور استفاده کرد؟**  
خب، ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیّتها میتوانستید خوب استفاده کنید، امّا [چون] تحریم هست نمیتوانید از این ظرفیّتها استفاده کنید؛ این خطا است؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینها ما تحریم بودیم، الان هم تحریم هستیم. در مورد دانشهای پیشرفته و روز، الان هم درهای مراکز علمی مهم بِروز دنیا به روی دانشمند ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است، امّا درعین‌حال، ما در نانو پیشرفت کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلّولهای بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهپاد و موشک، به کوری چشم دشمن، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟! ما که در این سر صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موّفقیّت به دست آوردیم، در اقتصاد هم اگر عزممان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، میتوانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشممان به دست دشمن نباشد که کِی این تحریم را برمیدارد، کِی فلان نقطه را موافقت میکند؛ به درک! نگاه کنیم ببینیم خودمان چه‌کار میتوانیم بکنیم.  
  
**۱۰. اگر تحقّق اقتصاد مقاومتی ممکن است، الزامات آن چیست، چه کارهایی باید انجام بگیرد؟**  
اوّلاً مسئولان باید از تولید ملّی حمایت کنند. تولید ملّی، اساس و حلقه‌ی اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملّی حمایت کنند. چه‌جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملّی باید رونق پیدا کند.  
دوّم، صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، آنها هم بایستی به تولید ملّی اهمّیّت بدهند؛ به چه معنا؟ به این معنا که بهره‌وری را افزایش بدهند. بهره‌وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد حدّاکثر استفاده‌ی بهینه بشود؛ کارگر که کار میکند، کار را با دقّت انجام بدهد؛ رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه، این معنای بهره‌وری است؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام میدهد، محکم انجام بدهد، متقن انجام بدهد. آن کسی که سرمایه‌گذاری میکند، سعی کند حدّاکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب میشود هزینه‌ی تولید برود بالا، بهره‌‌وری سرمایه و کار کم بشود.  
سوّم، صاحبان سرمایه در کشور، فعّالیّت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعّالیّتهای دیگر. ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند ــ کم یا زیاد ــ و میتوانستند این را در یک راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند؛ رفتند سراغ تولید؛ گفتند میخواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه است، این صدقه است، این جزو بهترین کارها است؛ کسانی که دارای سرمایه هستند ــ چه سرمایه‌های کم، چه سرمایه‌های افزون ــ آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند.  
بعدی، مردم در همه‌ی سطوح، تولید ملّی را ترویج کنند. یعنی چه؟ یعنی همین مطلبی که من دو سه سال قبل از این، در همین جا با اصرار فراوان گفتم، یک عدّه‌ای هم از مردم خوشبختانه عمل کردند، امّا همه باید عمل کنند و آن عبارت است از «مصرف تولیدات داخلی». عزیزان من! شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید میکنید به‌جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده‌اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده‌اید به اینکه ابتکار خودش را بیاورد میدان؛ جنس داخلی که مصرف شد، آن کننده‌ی کار، ابتکاراتی دارد، این ابتکارات را روز‌به‌روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف میکنید، ثروت ملّی را افزایش داده‌اید. در گذشته، در دوران طاغوت، ترجیح مصرف خارجی به‌عنوان یک سنّت بود؛ سراغ جنس که میرفتند، [میپرسیدند] داخلی است یا خارجی؟ اگر خارجی بود، بیشتر به آن رغبت داشتند؛ این باید برگردد و به‌عکس بشود.

****

**حال با درک کامل از این نوع اقتصاد به تعریف اقتصاد ریاضتی می پردازیم.**

**این مدل از اقتصاد که در سال 2010 مطرح شد همراه با شروع بحران اقتصادی یونان بود که در آن** پاپاندرئو -نخست وزیر یونان- در سخنرانی مشهور خود در آن سال اعلام کرد: «ما اینک با کسری بودجه ای مواجهیم که میزان آن بیش از دوازده و هفت دهم درصد تولید ناخالص داخلی کشور است و نیز یک بدهی بزرگ در سطح ملی به ارزش حدود سیصد میلیارد یورو. نتیجه این وضعیت این است که یونان در حال غرق شدن زیر بار سنگین بدهی هایش قرار گرفته است.

این آغازی بود بر بحران یونان در اروپا که عملا با سنگین شدن بیش از حد بدهی های خارجی با خطر ناتوانی برای بازپرداخت وام ها روبرو می شد. آتن پس از آن وعده داد سیاست های ریاضت اقتصادی را در پیش گیرد اما خیلی دیر بود چرا که عملا دچار ورشکستگی شده بود.

نخستین اجلاس سران کشورهای اروپایی برای بررسی بحران اقتصادی یونان اوایل فوریه ۲۰۱۰ در بروکسل برگزار شد. در بیانیه اصولی اجلاس، کشورهای عضو اتحادیه اروپا وعده دادند از یونان حمایت کنند.

اندکی بعد با اعلام اینکه بدهی های یونان به بیش از پازده درصد رسیده است، بازارهای مالی دچار آشفتگی شد و در ماه دسامبر مؤسسات اعتبار سنجی مانورهای خود را برای تنزل رتبه اعتباری یونان آغاز کردند.

در سال ۲۰۱۲ ، بدهی های این کشور به سیصد و پنجاه میلیارد یورو افزایش پیدا کرد. یونان دیگر قادر به تامین نیازهای مالی خود نبود و از اروپا و جامعه بین الملل درخواست کمک کرد.   
بدین ترتیب یونان نخستین کشور منطقه یورو بود که کمک مالی بین المللی به ارزش یکصد و ده میلیارد یورو دریافت کرد.

یک سال بعد دومین بسته کمک نیز از راه رسید. با این حال یونان هنوز با خطر ناتوانی در بازپرداخت وام ها روبرو بود. مارس ۲۰۱۲ بیش از هشتاد و سه درصد از طلبکاران خصوصی یونان موافقت کردند بخشی از طلب خود را ببخشند و این مرهمی بود بر بخشی از بدهی های سنگین این کشور.

ژانویهِ ۲۰۱۵ حزب سیریزا به رهبری آلکسیس سیپراس با وعده مذاکره مجدد در خصوص طرح نجات اقتصادی و پایان دادن به سیاست های ریاضتی در انتخابات قانونگذاری به پیروزی رسید. این پیروزی در واقع واکنشی بود به سیاست های پنج سال گذشته این کشور که نتیجه ای جز سقوط بیست و پنج درصدی تولید ناخالص داخلی و بیکارشدن یک چهارم از جمعیت یونان به همراه نداشت. ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد. اینکه بر اقتصاد و شرایط بحران زده اش ریاضت و سختی تحمیل شود، در ظاهر اصلا کار خوشایندی به نظر نمی رسد، اما شاید بتواند به بازیابی درازمدت اقتصاد کمک کند.

در کل می توان مطرح کرد که زمانی اقتصاد ریاضتی مطرح و انجام می شود که یک کشور از تمام ظرفیتهای خود استفاده کرده باشد و راهی جز کاهش خدمات و افزایش مالیات و دریافت تسهیلات از خارج نداشته باشد ولی اقتصاد مقاومتی به معنای کشف و استفاده از ظرفیتهای داخلی اقتصاد است که یا تا کنون استفاده نشده و یا به طور کامل از آن بهره برداری نشده است.

در کلام آخر به ده تفاوت این دو مدل اقتصادی می پردازیم:

1. ریاضت اقتصادی یک برنامه کوتاه مدت، تصادفی و با آزمون و خطاست ولی اقتصاد مقاومتی یک الگو از جنس بازسازی تدریجی است.

2. ریاضت اقتصادی یک واکنش اضطراری و تاکتیکی است ولی اقتصاد مقاومتی یک حرکت پیشرفت راهبردی است.

3. ریاضت اقتصادی یک برنامه انقباضی هزینه با رویکرد هزینه های عمومی دولت و بخش عمومی است ولی اقتصاد مقاومتی یک الگوی منسجم همه جانبه، دربرگیرنده همه ابعاد جامعه برای شکوفایی استعدادهای درونی سامانه اقتصاد در جهت انبساط نظام تولید و فعالیت های اقتصادی حقیقی است.

4. ریاضت اقتصادی یک برنامه جبرانی بدون هدف در جهت تبدیل فشارها و بازگشت به تعادل موقت در الگوی موجود نظام سرمایه داری است ولی اقتصاد مقاومتی یک الگوی جایگزین با هدف تغییر همه جانبه شرایط و بناگذاری یک سامانه جدید است.

5. در شرایط کنونی برنامه ریاضت اقتصادی اروپا یک واکنش به دنبال عمل افراط گونه هزینه کردن بیش از توان بودجه و از جیب مردم و علیه مردم و برای مواجهه با واکنش منفی مردم است ولی اقتصاد مقاومتی یک الگو در جهت شکوفایی نقش مردم است.

6. نسخه ریاضت اقتصادی با رویکرد برون گرایی و تزریق پول بی پشتوانه اجرا می شود ولی اقتصاد مقاومتی یک الگوی درون گرا با راهبرد اصلاح الگوی مصرف و تقویت تولید داخلی است.

7. ریاضت اقتصادی یک واکنش مجدد ناعادلانه منبعث ازیک الگوی عدالت گریز است ولی اقتصاد مقاومتی در صدد طراحی یک الگوی جدید عدالت محور است.

8. ریاضت اقتصادی در جامعه اروپایی حاصل یک اجماع فکری بیرونی و برنامه تحمیلی اتحادیه اروپا، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است ولی اقتصاد مقاومتی یک الگوی بومی است.

9. ریاضت اقتصادی یک عقبگرد راهبردی از الگوی سرمایه داری است ولی اقتصاد مقاومتی در جهت اثبات یک الگوی جدید بر مبنای الگوی موفق اسلامی است.

10. ریاضت اقتصادی انسجام یک برنامه را ندارد ولی اقتصاد مقاومتی یک الگوی مبتنی بر برنامه است.

مـنـابـــع :

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26023>

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931128000976>

<http://persian.euronews.com/2015/06/17/debt-history-capsized-greece/>

<http://tabeshnews.ir/fa/news/>

<http://banki.ir/mellat/>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/>

<http://www.hawzah.net/fa/Article/View/93717/>

<http://rasekhoon.net/article/show/888453/>

<http://paydarymelli.ir/fa/news/576/>

***\*\*\* مجید امن پور***

***\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات***

***\*\*\* اداره کل حفاظت و امور ایمنی***

